

راهبردی برای رفع مشکلات در تبلیغ عرصه

گفت و گو با محترم‌ترین و ارجمندترین روحانی

مبلغان: حضرت امام خمینی رحمته الله علیه جوییم.

می‌فرماید: «جهان روی تبلیغات می‌چرخد.»

در این دوران که نگاه‌های تبلیغاتی استکبار جهانی از هر سو ذهن و فکر ملت‌ها را با تیرهای زهرآگین دروغ، نفاق و شبهه‌پراکنی نشانه رفته‌اند، به نظر حضرت عالی و وظیفه امروز مبلغان و متولیان تبلیغات دینی چیست و راه مقابله با تبلیغات استکباری کدام است؟

□ وظیفه ما این است که مقابله به مثل کنیم و از همان راه‌ها و ابزارهایی که آن‌ها در تبلیغات خود استفاده می‌کنند اما با هدف صحیح و اسلوب شرعی بهره

یکی از بزرگان حوزه تهران می‌فرمودند: «ابزار تبلیغاتی ما روحانیون باید عوض شود.»

بیا تا گل برافشانیم و می در ساغر اندازیم
فلک را سقف بشکافیم و طرحی دیگر اندازیم
برای مقابله به مثل، با تبلیغات سیل
آسای غرب، سرمایه‌های زیادی لازم
است. آن‌ها تمام امکاناتشان را برای
تبلیغات به کار می‌گیرند. امروز مسیحیت
غرب، انجیل تحریف شده خود را به هزار
زبان ترجمه کرده است ولی ما هنوز قرآن؛
این معجزه جاودان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را به
نود و پنج زبان ترجمه کرده‌ایم. ما هنوز

کرده‌اند. ما آن همه امکانات را نداریم، ولی پیشنهاد می‌کنم از تبلیغ و شیوه‌های آن به عنوان انجام وظیفه شرعی یاد کنیم. چیزی که نام دینی آن «امر به معروف» است. برای انجام تبلیغ با هدف اعتلای اسلام و به میدان بیاییم و از طریق گفتار و عمل به مکتب قرآن و اهل بیت وظیفه خودمان را انجام دهیم.

پیشنهاد می‌کنم از

تبلیغ و شیوه‌های آن

به عنوان انجام وظیفه

شرعی یاد کنیم.

چیزی که نام دینی آن

«امر به معروف» است.

از ائمه اطهار نقل شده است که: «اگر مردم شیرینی کلام ما را حش کنند، هر آینه از ما متابعت می‌کنند و علاقمند به ما می‌شوند.»

اینک باید دید از چه راه‌هایی می‌توان شیرینی احکام و مسائل دینی را به مردم چشاند. یکی از راه‌های عملی که به ذهن می‌رسد، این است که در تبلیغ از روش تبیین فلسفه احکام اسلام استفاده کنیم.

برای بسیاری از مراکز فرهنگی و مذهبی یا جمعیت زیاد یک روحانی نداریم ولی آن‌ها برای یک خانواده مسیحی مبلغ می‌فرستند.

بنگاه‌های تبلیغاتی غرب تا آن جا پیش رفته‌اند که حتی با ارائه عکس‌های منحرف کننده همراه با آدامس و غیره بچه‌ها را به سوی ابتذال می‌کشاند و ما به دلایل مختلفی نتوانسته‌ایم بچه‌هایمان را حفظ کنیم.

این در حالی است که اسلام سفارش می‌کند که تمام سعی و تلاش خود را مصروف تبلیغ فرهنگ اسلام ناب بکنید و در این راه از کودکانتان شروع بکنید. «با دروا اولادکم قبل ان یسقمکم المرجعه؛ یعنی، در پر کردن اوقات فراغت فرزندانمان عجله کنید قبل از آن که دیگران که

بیگانه‌اند بر شما سبقت بگیرند.»
آمریکا و غرب در جنگ نظامی با ما شکست خوردند، ولی در جنگ فرهنگی چون با ابزار و تکنیک‌های پیشرفته وارد شدند و ما هم نتوانستیم مقابله به مثل کنیم، آن‌ها موفق شدند و تاکنون عده‌ای از جوانان ما را منحرف کرده‌اند. شاید رمز موفقیت آن‌ها این باشد که تا جایی که توانسته‌اند از فن‌آوری تبلیغ استفاده

نداشت خیر. باید سعی کنیم به گونه‌ای در این بحث پیش برویم که ثابت کنیم علم روز مؤید فلان دستور دینی است؛ یعنی، علم روز که با این همه زحمت به دست آمده، تازه یک حرفی را ثابت کرده که اسلام صدها سال پیش آن را گفته است.

مبلغان: گاهی گفته می‌شود که با وجود تبلیغات وسیع دشمنان داخلی و خارجی، آن هم با ابزارهای پیشرفته و مدرن، دیگر کاری از ما ساخته نیست. نظر حضرت عالی در این مورد چیست؟

□ اگر در طریق هدایت عده کمی با شما هستند، بدانید که پیامبر ﷺ هم اول تنها بودند. در امر تبلیغی و هدایت مردم اگر تنها بود، نترسید. در قرآن حق به آب تشبیه شده و باطل به کف روی آن. شما اگر به دریا نگاه کنید، می‌بینید بخشی از آن را کف فرا گرفته است. ناگهان طوفان شدیدی می‌آید و کف‌ها را کنار می‌زند. بعد می‌بینید که از زیر این کف‌ها آب صاف و زلالی پیدا می‌شود.

﴿وَمَا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فِيمَكْتُ فِي الْأَرْضِ
وَمَا الْبَاطِلُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً﴾

حدیث داریم که یک انسان با خدا از همه مردم بهتر است. به خاطر ارتباطش با نامحدود مطلق - که حضرت حق باشد -

بهترین روش، آشنا کردن نسل جوان با خاصیت‌های دستورات دینی است. وقتی واقعاً یک کاری برای آن‌ها مشکل باشد اما شما آن‌ها را با بعضی از خواص آن آشنا کنید، قطعاً از روی میل بیشتری به سوی آن دستور دینی روی می‌آورند. لذا می‌بینیم پیامبر اسلام ﷺ برای جا انداختن فرهنگ مساوات زدن ده خاصیت برای آن بر می‌شمارند تا ایجاد انگیزه کنند.

من در سال ۴۱ در کاشمر انجمن پاسخ به سؤالات جوانان را راه‌اندازی کردم و در طول این مدت همواره بانسل جوان سر و کار داشته‌ام و یکی از اصلی‌ترین عوامل جذب جوانان و اثرگذاری پیام تبلیغی‌ام در بین آن‌ها را همین تبیین خاصیت‌ها و حکمت‌های دستورات دینی می‌دانم.

زمان «طاغوت» که جوانان چندان انسی با روحانیت نداشتند، ما مشتاقان زیادی داشتیم. چون جوانان از مذاکرات منبر و مجالس ما بهره‌مندی و علمی می‌بردند. البته در این بحث باز زیاده‌روی نکنیم که بخواهیم احکام را بر علم روز تطبیق دهیم. این درست نیست، چون ممکن است بگویند هر چه که مستمسک علمی داشت، درست است و هر چه

القلوب و صدقته الاعمال» را در حق خودمان پیاده کنیم. الآن کسی به اصل انقلاب و نظام ایرادی ندارد. هر چه هست در عملکرد برخی از مشؤولین است. اگر بنای تبلیغ است، باید اخلاق اسلامی به صورت کامل در ما ملکه شود، سپس به تبلیغ پردازیم؛ یعنی، واقعاً معتقدم که اگر به آنچه می‌گوییم، نمی‌توانیم عمل کنیم، از گفتنش دست برداریم و اصلاً در سلک روحانیت و مخصوصاً تبلیغ وارد نشویم. چون با عملکرد خلاف گفتار، ایمان مردم

اگر به آنچه می‌گوییم،

نمی‌توانیم عمل کنیم،

از گفتنش دست برداریم

و اصلاً در سلک روحانیت

و مخصوصاً تبلیغ

وارد نشویم.

ضعیف می‌شود.

۲- بی‌سواد بودن مبلغ.

ممکن است مبلغ به خاطر ویژگی‌هایی مثل صدای خوب داشتن جاذبه خوبی داشته باشد، ولی کوله‌بار علمی‌اش را خوب نبسته باشد، زمانی به ما

نامحدود است، لذا اگر او تنها باشد، کم نیست، ولی باطل‌گر چه زیاد باشد، کم و محدود است. هیچ‌کس قبل از انقلاب باورش نمی‌شد که شاه و حکومت طاغوت با آن همه قدرت از بین برود، ولی چون بر باطل بودند، نابود شدند.

هیچ نگران زیادی اهل گناه نباشیم. چون آن‌ها بر باطلند و عاقبت نابود می‌شوند و باز حق و حقیقت که همان اسلام ناب است فراگیر می‌شود. مهم این است که ما وظیفه خویش را انجام دهیم و کوتاه نیاییم.

اگر بنای تبلیغ است،

باید اخلاق اسلامی به

صورت کامل در ما ملکه شود،

سپس به تبلیغ پردازیم

مبلغان: آفات تبلیغ از دیدگاه

حضرت عالی چیست؟

□ بعضی از آفات تبلیغ عبارتند از:

۱- عمل نکردن خود مبلغ به آنچه

می‌گوید.

به اعتقاد بنده باید همان فرمایش امام جواد علیه السلام که فرمودند: «الایمان ما وقرته

بود و مبلغان دینی باید چنین روحیه‌ای داشته باشند.

مبلغان: حضرت عالی چه سطحی از معلومات عمومی را برای مبلغ لازم می‌دانید؟

□ جواب این سؤال نسبت به افراد مختلف فرق می‌کند. ممکن است کسی سطح معلوماتش در حوزه در حد لمعتین باشد، ولی به خاطر شوق و ذوق تبلیغی که دارد، آیات و روایات متعددی را مطالعه کرده باشد و بتواند هم مطالب پرباری را تحویل بدهد و هم از عهده سؤالات مردم برآید. گاهی شخصی معلومات حوزوی را به سطح عالی رسانده، ولی در موضوع تبلیغ کاری نکرده و دست خالی است. اولی برای تبلیغ خوب است، دومی نه. الآن بعضی مجتهدند، ولی نمی‌توانند یک مطلب جامع و کامل ارائه کنند. حداقل خواندن رسائل و مکاشف، شرط اولی و لازم برای روحانی مبلغ است.

مبلغان: به نظر حضرت عالی طرح چه مباحثی در ایام تبلیغی در اولویت است و برای مطالعه مبلغان، چه کتاب‌هایی را توصیه می‌کنید؟

□ با تجربه‌ای که دارم، می‌گویم: بیاید تبلیغات را مثل پیامبر ﷺ که از خدا

یاد داده بودند که اگر پاسخ سؤالی را نمی‌دانید، بگویید نمی‌دانم. «لا ادری نصف العلم» با این گفتار خیال می‌کردیم پا روی نفس می‌گذاریم. خلاصه، این را حسن می‌دانستیم. یک بار یکی از بزرگان گفت: «این پیام برای گاهی اوقات و در مواقع نادر است و الا آخوند باید معلوماتش به گونه‌ای باشد که در جواب هر صد سؤال یک مورد را بگوید نمی‌دانم و الا وظیفه خودش را - که تحصیل کمالات علمی مربوط به یک روحانی بوده است - انجام نداده است. این وظیفه شرعی برای به انحراف نکشاندن است نه برای فرار از زیر بار مسؤولیت.»

۳- برخورد غیر اخلاقی با مردم.

باید توجه داشته باشیم که کیفیت برخورد با مردم مخصوصاً جوانان، بزرگان، ریش سفیدها و روحانیون دیگر باید خیلی حساب شده باشد. رعایت نکردن شؤونات اسلامی در برخورد با افراد، ضربه‌ای اساسی بر زحمات تبلیغی ما وارد می‌کند. رسول گرامی اسلام ﷺ که اشرف مخلوقات است - نسبت به خدا و خلق خدا متواضع‌ترین مردم بود. یکی از عوامل اثرگذاری پیام تبلیغی پیامبر ﷺ روحیه تواضع ایشان در مقابل بندگان خدا

انقلاب شبهات زیادی را در سطح جامعه پراکنده کرده‌اند. بفرمائید نحوه برخورد مبلغان محترم با این شبهات باید چگونه باشد؟

□ شبهات بر سه گونه است:

۱- شبهاتی که مشهور و جوابش ساده است. این جا وقتی مبلغ برخورد کرد، خوب است وارد صحنه شده و جوابگو باشد و مردم را کاملاً روشن نماید.

رعایت نکردن شؤونات اسلامی در برخورد با افراد، ضربه‌ای اساسی بر زحمات تبلیغی ما وارد می‌کند.

۲- شبهاتی که اصلاً شبهه نیست، بلکه یکسری مزخرفات را به هم بافته‌اند و در جامعه مطرح می‌کنند. به ذهن می‌رسد باید گفت: جواب ابلهان خاموشی است و خود مردم می‌توانند قضاوت کنند. چون مردم دین دارند.

۳- شبهاتی که از سوی متفکران شبهه‌افکن و مغرض یا غیر مغرض مطرح می‌شود و سر و تهی دارد. این جا مبلغ باید

شروع کردند، ما هم از خدا شروع کنیم. بحث توحید و اثبات صفات پروردگار با زبانی ساده و گویا و ارتباطش به موضوع امامت و نهایتاً مصیبت اهل بیت بسیار شروع خوبی است؛ یعنی، آشنا کردن مردم با خدا اثر بسیار مهمی در راه هدایت جامعه دارد. مثلاً یکی از موضوعات مربوط به این بحث، موضوع انقطاع الی الله است که با ارتباطش به موضوع انقطاع الی الله امام حسین علیه السلام بسیار اثر می‌گذارد. ما می‌دانیم که بحث اثبات صانع که کنارش کفر است و بحث اثبات توحید که کنارش شرک است، با مقدمه و مؤخره و با ارتباط دادن به ماجرای کربلا در نهایت چقدر اثرگذار است.

بعد از مباحث توحیدی موضوعات اخلاقی به صورت مخلوط با مباحث آنها و یا بعد از آنها مطرح شود. اما در مورد کتاب مناسب، به نظر من کتاب «فوائد المشاهد» شیخ جعفر شوشتری و «خصائص الحسینیه و مواعظ» ایشان برای منبر یا هدف آشنایی با خدا و اخلاقیات و مصائب اهل بیت علیهم السلام بسیار خوب است. چون نویسنده کتاب هم مجتهد بوده، هم اهل دل و صفا.

مبلغان: امروزه دشمنان دین و

آن‌ها خوش برخورد بود، عمل کنیم و به گونه‌ای نباشیم که یکی از بزرگان یک زمانی می‌گفت: «بعد از پیامبر ﷺ مختصر اختلافی پیدا شد.» این حرف اگر جبران نشود، واقعاً برای قیامت ایشان مشکل ایجاد خواهد کرد و ایشان قطعاً مؤاخذه خواهد شد. یادم هست مرحوم شهید هاشمی نژاد آن زمان علیه این موضوع چندین بار سخنرانی کرد و گفت: موضوع

مبلغی می‌تواند وارد

بحث شود و به ردّ

شبیهات پردازد که خود،

اصل شبیهه و جواب

آن را خوب

هضم کرده باشد.

ولایت قابل اغماض نیست که ما از آن عقب‌نشینی کنیم.

مبلغان: چرا سخنرانی بعضی از سخنرانان در مردم اثر نمی‌گذارد؟

□ این که چرا به طور عموم تبلیغات دینی اثر ندارد، جوابش این است که: «الكلام اذا خرج من القلب دخل في القلب و

موضوع را به کارشناسان فنّ و بزرگان حوزه ارجاع دهد و خود وارد مجادله، مناظره و رد کردن نشود، زیرا اگر نتواند موضوع خود را ثابت کند، وضع بدتر خواهد شد. باب مجادله و مناظره باب وسیعی است با شرایط و ضوابط مخصوص به خود که کار هر روحانی نیست. در این جا مبلغی می‌تواند وارد بحث شود و به ردّ شبیهات پردازد که خود، اصل شبیهه و جواب آن را خوب هضم کرده باشد.

مبلغان: به نظر جناب عالی نحوه

برخورد مبلغان شیعه، در مناطق سنتی نشین با اهل سنت باید چگونه باشد؟

□ اگر از جانب مردم برداشت تمایل مبلغ به طرف آن‌ها نشود و برداشت نکنند که دین و مذهب آنان هم اهمیتی دارد، با این دو شرط، مبلغان فرمایش امام صادق ﷺ را رعایت کنند که فرمود: وقتی در بین دشمنان ما هستید، به گونه‌ای برخورد کنید که آن‌ها بگویند: آفرین بر امام صادق و شاگردان مکتبش. منتهی خوش اخلاقی و خوش برخوردی ما با آنان به گونه‌ای باشد که احساس نشود گناه آنان کم است، بلکه به عنوان این که آن‌ها هم انسان هستند، مسلمان هستند و باید با

آورده‌اند، جو بدبینی علیه ماست و کسی که به کسی بدبین باشد، اصلاً آمادگی پذیرش مطلب او را ندارد.

مبلغان: با تشکر از حضرت عالی به خاطر حوصله‌ای که به خرج دادید و به سؤالات ما پاسخ گفتید. در پایان اگر توصیه‌های خاصی به مبلغان گرامی دارید، بفرمایید.

□ ۱ - مبلغان عزیز حتی المقدور در تبلیغ از مراد به خانواده‌های مردم امتناع بورزند و یا این که حداقل خانواده را همراه ببرند.

۲ - طلبه جوان هنگام تبلیغ ولو به صورت مقطعی و موقت باید غرور جوانی‌اش را بشکند. جوان با شخص پیر فرق می‌کند. اگر کسی در جوانی به خود من ایراد می‌گرفت، خیلی برایم سنگین تمام می‌شد. الآن اگر خلاق علیه من صحبت کنند، ناراحت نمی‌شوم. طلبه باید به حالتی برسد که تعریف و تمجید یا بدگویی دیگران در او تأثیر منفی نگذارد. گرچه نمی‌توان اصل تأثیر را انکار کرد.

۳ - مبلغ در سفر تبلیغی مواظب غذا خوردن خود باشد و حتی الامکان کم بخورد که ...

اذا خرج من اللسان لم يتجاوز الآذان.» ولی این مطلب استثنا دارد و شاهد بر آن؛ حدیثی است که می‌فرماید: یکی از کسانی که در قیامت زیاد حسرت می‌خورد، کسی است که حرفی گفته، مخاطبان آن حرف بهشتی شده‌اند و او خودش جا مانده است. معلوم می‌شود امکان هدایت مردم هست و لو این که خطیب در عمل کم بیاورد. ولی اثر نکردن حرف‌های ما در مردم،

جوئی که الآن دشمنان به

وجود آورده‌اند،

جو بدبینی علیه ماست

و کسی که به کسی

بدبین باشد،

اصلاً آمادگی پذیرش مطلب

او را ندارد.

عمده‌اش مربوط به تبلیغات سوء دشمنان علیه ما است. معاویه آن قدر علیه مولی علی علیه السلام تبلیغ کرده بود که مردم باور کرده بودند حضرت علی علیه السلام نماز نمی‌خواند. حال آیا نصیحت حضرت به جوانانی که این تبلیغ را شنیده‌اند، اثر می‌گذارد؟ قطعاً خیر. جوئی که الآن دشمنان به وجود